

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ  
الرَّحِیْمِ



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده علوم اجتماعی

کارشناسی ارشد

رشته مطالعات فرهنگی

زن و قدرت در خانواده

(تحلیل محتوای کیفی شش رمان پرفروش دهه اخیر)

استاد راهنما

جناب آقای دکتر نعمت ا... فاضلی

استاد مشاور

جناب آقای دکتر محمد سعید ذکایی

دانشجو

مهری نظام آبادی

سال تحصیلی 1388

## چکیده:

زن و قدرت در خانواده، تحلیل محتوای کیفی شش رمان پرفروش دهه اخیر، در سال های 1378 الی 1388 موضوع پژوهش حاضر است. در این پژوهش کوشش شده است به این سوالات پاسخ داده شود که در رمانهای زنان نویسنده دهه اخیر، قدرت زنان چگونه بازنمایی شده و این رمان ها چه نوع مناسباتی از روابط بین زن و خانواده را بازنمایی می کنند، و تجربه زن در خانواده به چه صورت تصویر شده است.

چارچوب مفهومی پژوهش حاضر با مطالعه جامعه شناسی رمان، جایگاه ادبیات عامه پسند در مطالعات فرهنگی و هم چنین رابطه زنان و رمان، و قدرت در خانواده و نقش زنان در مورد آن شکل گرفته است.

باتوجه به ملاکهای تعیین شده برای انتخاب رمان ها، یعنی پرفروش بودن رمان ها و در دوره سوم داستان نویسی زنان (برحسب تقسیم بندی میرعابدینی) نگاشته شدنشان، و اینکه نویسنده رمانها و هم چنین شخصیت اصلی رمانها می بایست زنان باشند و رمان حول بیان قدرت زنان در خانواده شکل گرفته باشد، شش رمان انتخاب گردید.

روش استفاده شده در این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی می باشد. این تحلیل محتوا روشی کیفی است و برخلاف روش هایی که تاکید آنها بر اثبات فرضیه و قضایای نظری است، یکی از ویژگی های برجسته اش استفاده از مقوله هایی است که غالباً از الگوهای نظری اخذ شده اند. در این تحقیق به استخراج مقولات اصلی که در رمانها تاکید و تکرار شده اند و ما را در رسیدن به اهدافمان راهنمایی می کنند می پردازیم و به وسیله مقولات و مصادیق مشخص شده و مرتبط با سوالات تحقیق به تحلیل رمانها پرداخته ایم.

با توجه به مقولات و مصادیق مورد توجه در رمانها و تحلیل رمانها بواسطه آنها این امر مشخص می شود که زنان به دنبال تعریف جدیدی از هویت و قدرت در خانواده هستند، هم چنین در این نوع رمانها عنصر زن و مرد در کنار یکدیگر مهم است و زنان در کنار مردان است که احساس خوشبختی می کنند و خوشبختی مستقل از مردان را نمی خواهند و این امر از مهمترین دلایل پرفروش بودن این رمانها است.

واژگان کلیدی: قدرت، بازنمایی، هویت، خانواده.

فهرست مطالب:

6.....	فصل اول: طرح مساله
7.....	1-1 مقدمه
8.....	1-2 ضرورت پژوهش
12.....	1-3 اهداف پژوهش
12.....	1-4 مساله پژوهش
18.....	1-5 پیشینه پژوهش
22.....	فصل دوم: چهارچوب مفهومی
23.....	2-1 مقدمه
23.....	2-2 ادبیات و جامعه شناسی
25.....	2-2-1 جامعه شناسی رمان: لوکاج و گلدمن
30.....	2-2-2 رمان شکلی از روایت
31.....	2-3 جایگاه ادبیات عامه پسند در مطالعات فرهنگی
35.....	2-4 زنان و رمان
36.....	2-4-1 زنان و رمانهای رمانتیک
39.....	2-5 خانواده، قدرت و زنان
44.....	2-5-1 قدرت در خانواده
48.....	2-5-2 نقشهای خانوادگی
49.....	2-5-2-1 تغییر نقش مردان در خانواده
49.....	2-5-2-2 تغییر نقش زنان در خانواده
53.....	فصل سوم: روش تحقیق
54.....	3-1 مقدمه
55.....	3-2 روش تحقیق کیفی

56.....	3-2-1 مهارت‌های ضروری در تحقیق کیفی
56.....	3-2-2 اجزای عمده تحقیق کیفی
56.....	3-2-3 ویژگی‌های اساسی تحقیق کیفی
57.....	3-2-4 مقایسه تحلیل کمی و کیفی
59.....	3-3 تحلیل محتوای کیفی
61.....	3-3-1 نحوه انجام تحلیل محتوای کیفی از نظر مایرینگ
62.....	3-3-2 تکنیک‌های انجام تحلیل محتوا
62.....	3-3-3 تفسیر متن و کدگذاری
63.....	3-4 عملیاتی کردن روش
65.....	3-5 تعریف مفاهیم
68.....	فصل چهارم: یافته‌ها
69.....	4-2 خلاصه رمانها
69.....	4-2-1 خلاصه رمان «بگشای لب»
70.....	4-2-2 خلاصه رمان «آرام»
71.....	4-2-3 خلاصه رمان «دریا»
72.....	4-2-4 خلاصه رمان «افسون یک نگاه»
73.....	4-2-5 خلاصه رمان «برزخ اما بهشت»
74.....	4-2-6 خلاصه رمان «افسون سبز»
75.....	4-3 مقوله‌های تحقیق
77.....	4-3-1 تعریف زن سنتی
78.....	4-3-2 تعریف زن جدید
80.....	4-4 تحلیل رمانها
80.....	4-4-1 زاویه دید
81.....	4-4-2 قدرت زن داستان
92.....	4-4-3 شخصیت زن داستان
106.....	4-4-4 زنان، رخدادها و حوادث داستان

106.....	4-4-4-1 ازدواج
109.....	4-4-4-2 عشق
114.....	4-4-4-3 زنان در برابر زنان
118.....	4-4-4-4 فرار یا ترک خانه
121.....	4-4-4-5 درخواست کار و اشتغال
123.....	4-4-4-6 آزار و اذیت روحی و خشونت فیزیکی
127.....	4-4-4-7 طلاق
131.....	4-4-4-8 خیانت و هوسرانی
134.....	4-4-4-9 اعمال خلاف قانون و قتل
135.....	4-4-4-10 خودکشی
136.....	4-4-4-11 مرگ
138.....	4-4-4-12 سقط جنین
139.....	4-4-4-13 ازدواج مجدد
141.....	4-4-5 جنسیت
146.....	4-4-6 نقش
148.....	4-4-7 خانواده
152.....	4-4-8 فرزند
156.....	4-4-9 شخصیت‌های فرعی داستان
158.....	4-4-10 جهت‌گیری‌های ارزشی
160.....	4-4-11 مکان
163.....	4-4-12 زمان
165.....	4-4-13 ارزیابی نهایی
170.....	فصل پنجم: نتیجه‌گیری
171.....	5-1 نتیجه‌گیری
177.....	5-2 مشکلات و پیشنهادات تحقیق
179	فهرست منابع

فصل اول

طرح مسأله

## 1-1 مقدمه :

نویسندگان آثار ادبی در ایران بیشتر مردان بوده اند و در آفرینش قهرمان زن همواره این اشکال اساسی وجود داشته که "بواسطه" از جانب زنان سخن گفته اند و "بواسطه" بیان کننده عواطف و احساسات آنها بوده اند و این "بواسطه بودنها" باعث شده است تا آنان نتوانند زوایای پنهان افکار و احساسات زنان را به خوبی منتقل کنند و همین امر تا اندازه ای از اصالت داستانهای آنان کاسته است. تا اینکه زنان خود در مقام نویسنده پا به میدان نگارش گذاشته و نقش و جایگاهی جدید برای خویش در ادبیات داستانی آفریده اند. زنان فن نویسندگی را با حضور در حوزه عمومی فراگرفته و تصمیم گرفتند تا از زن آنگونه که خود می شناختند و انتظار داشتند بنویسند.

نقش زنان در رشد نوع ادبی رمان بسیار موثر بوده است. به طوریکه مایلز معتقد است "رمان تنها گونه ادبی است که شماری این چنین از زنان در آن سهم بوده اند، حضورشان در آن نمایان بوده و چند و چون شرکتشان در آن کمابیش با مردان همانندی داشته است. این فرم ادبی رمان به صورت وسیله ای برگزیده درآمده است که زنان در سالهای گذشته نزدیک جنبه هایی از زندگی جنسیشان را با آن پژوهیده و منتشر کرده اند، جنبه هایی که پیش از این در پهنه هنر یا جامعه به آن توجهی نمی شده است." (مایلز، 1380: 38)

از آثاری که می توان گفت بیشتر از همه مورد اقبال عمومی واقع شده است رمانها و داستانهای عامه پسند است که روابط زن و مرد در جوانب مختلف زندگی از عناصر اصلی این گونه داستانهاست و همان طور که زنان و مردان سازنده جامعه اند داستان را نیز شخصیت های زن و مرد می سازند و این نوع آثار بیشتر از آثار دیگر توجه عامه زنان خواننده رمان را به خود جلب کرده است.

رمانهای زنانه را می توان به عنوان شکلی از بازنمایی نگریست، که توانسته اند جهان زنانه ای را به تصویر کشند که در آن مسائل و دغدغه های زنان و تصور زنان از محیط پیرامون شان بازنمایی شده است و از آن جایی که این رمانها مبین مسائل و تنش هایی کاملاً ملموس در زندگی زنان هستند در نتیجه توجه به آنها اهمیتی اساسی دارد و توجه به این آثار و تبعات اجتماعی و فرهنگی که این آثار دارند از عواملی است که باید مورد توجه و بررسی قرار گیرد.



در این فصل می‌کوشیم تا با توضیح بیشتر مساله پژوهش و اهمیت آن و هم چنین بررسی پژوهش‌های انجام شده و مطرح کردن سوالات و اهداف اصلی تحقیق به شفاف ساختن بیشتر موضوع پردازیم.

## 2-1 ضرورت پژوهش:

اهمیت این تحقیق را می‌توان در دو منظر مورد توجه قرار داد: نظری و عملی.

از دیدگاه نظری، در جامعه‌شناسی ادبیات همیشه حوزه مطالعات ادبی اساساً به "آثار معتبر" محدود بود. و این دیدگاه، "آثار معتبر" هر ادبیاتی را معرف فرهنگی آن می‌دانست. به همین سبب تدوین کنندگان سنت گرای رشته ادبیات، از ابتدا ادبیات عامه پسند را فاقد ارزش لازم برای تحقیق و تفحص می‌دانستند. در حقیقت آنان طرفدار این دیدگاه بودند که فرهنگ را باید به دو حوزه متمایز فرهنگ متعالی و فرهنگ عامیانه تقسیم کرد (لاج، 1386: 16).

اما مناقشه کردن درباره درستی تمایز یاد شده بین فرهنگ متعالی و فرهنگ عامیانه یکی از ویژگی‌های بارز مطالعات فرهنگی می‌باشد. هم چنین مطالعات فرهنگی مرزگذاریهای نقد سنتی بین دوره‌های ادبی و ویژگی‌های ژانرهای ادبی را مورد تردید قرار می‌دهد. لذا در مطالعات فرهنگی "فرهنگ عامیانه" به معنای شیوه زندگی کردن و نحوه گذران اوقات فراغت... و نیز شامل آثار فکری و هنری مانند ادبیات، فیلم و موسیقی... می‌شود. هم چنین تلقی مطالعات فرهنگی از ادبیات عامه پسند گفتمان متعلق به اکثریت مردم است و نه اقلیتی ناچیز بنابراین باید به آن توجه کرد. مطالعات فرهنگی هدفی دمکراتیک دارد، یعنی دست اندرکاران مطالعات فرهنگی به جای آنکه به پیروی از متیو آرنولد صرفاً "بهترین مطالب اندیشیده شده و بیان شده" را مورد مطالعه قرار دهند، خود را موظف می‌بینند که همه مطالب اندیشیده شده و بیان شده را بررسی کنند. (استوری، 1385: 16)

از دیدگاه عملی، دو عامل سبب می‌شود که رمان را به سان فرم ادبی زنانه معرفی کنند: نخست اینکه نویسندگان زن کمابیش، از آغاز نوشتن، فرم ادبی رمان را بر فرمهای دیگر برتر شمرده‌اند. دوم اینکه، رمان تنها فرم ادبی است که شماری بزرگ از زنان در آن سهیم بوده‌اند، حضورشان در

آن نمایان بوده و چند و چون شرکتشان در آن کمابیش با مردان همانندی داشته است. (مایلز، 1380:

11)

نورمن فیرکلو (1995) نیز چهار دسته دلیل را برای اهمیت پژوهش بر روی متون ادبی و رمانها فهرست می کند: نخست دلیلی نظری، که می گوید تاثیر ایدئولوژیک و اجتماعی که متون بر تولید و دگرگونی هویت ها، روابط و ساختار اجتماعی می گذارد غالباً نادیده گرفته شده است. متن در واقع یک کنش اجتماعی است. دلیل دوم آن است که چنین متونی از مهمترین شواهد برای هرگونه نظریه پردازی برای ساختارها، فرآیندها و روابط اجتماعی است (دلیل روش شناختی). دلیل سوم که دلیلی تاریخی است به این نکته اشاره دارد که بررسی و تحلیل این متون تغییرات و جنبش های اجتماعی را نشان می دهند. در نهایت نیز امروزه کنترل و سلطه اجتماعی و نیز مقاومت در برابر آن هرچه بیشتر از طریق متون اعمال می شود. (فیرکلو به نقل از ولی زاده، 1385: 26)

و نیز جینیس رادوی این گونه بیان می دارد که: زنان از رومنس به منزله وسیله ای برای چیره شدن بر ترس دیرینه خویش از سلطه مردان که در قالب رومنس می توان آن را رام و مهار کرد بهره می گیرند. او معتقد است که حتی خواندن ادبیات داستانی به شیوه رومنس، با تکیه ای که بر رابطه ها و پناه بردن به رخدادهای عاطفی، عشق و مهرورزی به پیش کشیده شده در آن دارد، نوعی اعتراض در برابر مردسالاری است. و پی گرفتن آن به منزله نفی فرمانروایی خودکامانه سلیقه و ارزشهای زیبایی شناختی پدرسالاری و رد محدودیت نقش خواننده است. (مایلز، 1380: 88)

هم چنین مطرح شدن داستانهای نگاشته شده به قلم زنان به این دلیل هم هست که بسیاری از خوانندگان رمان، زنان طبقه متوسط اند که اوضاع زمانه فراغتی بیش از پیش برایشان فراهم آورده است و آنان را به خوانندگان پروپاقرص رمان فارسی و مخاطبان جدی نویسندگان مبدل ساخته است. رویکرد به رمان خوانی، زنان بسیاری را به نوشتن برانگیخته است. (میرعابدینی، 1377: 1110)

رزالیند کاورد (1984) در مورد داستانهای رمانتیک و پرطرفداری آنها به دو موضوع اعتقاد دارد: نخست اینکه داستانهای مذکور می بایست کماکان برخی نیازهای کاملاً انکارناپذیر را ارضاء کنند و

دوم اینکه این داستانها شواهدی دال بر خیال پروری بسیار نیرومند و شایع به دست می دهند و آن را تقویت می کنند. به گفته ی او خیالاتی که در داستانهای رمانتیک پرورنده می شوند به پیش از دوره ی نوجوانی تعلق دارند. در این خیالات از یک سو قدرت مردان به شیوه هایی تحسین می شود که یادآور رابطه ی کودک در اوان بچگی با پدرش است، از سویی دیگر نگرشی منفعلانه و عاری از گناه درباره ی امیال جنسی زنان القا می شود، زیرا در این داستانها فقط مردان باید میل جنسی داشته باشند و میل جنسی مختص مردان است و زنان این میل ذاتی را اجابت می کنند. (کاورد به نقل از استوری، 1385: 123) (البته این مورد در رمانهای فارسی به دلیل محدودیتها بسیار کمتر و گاهی در لفافه و با اشاره آورده می شود).

البته از دلایل انتخاب رمانهای عامه پسند می توان به توجه بسیار و اقبال عمومی که به رمانهای عامه پسند در جامعه ما وجود دارد و طیف گسترده ای از دختران جوان و زنان جامعه به خواندن آنها می پردازند اشاره کرد به طوری که براساس مطالعه ملی "فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی در کل کشور" که در سال 1382 صورت گرفته است بیشترین میزان مطالعه رمان و داستان در گروه سنی 12 تا 25 ساله است و مجموعاً 50/9 درصد از کل مطالعه رمان را به خود اختصاص داده اند، هم چنین مردان تنها 12/8 درصد از موارد به رمان علاقه مندند در حالی که این نسبت برای زنان 23/8 درصد بوده است. (حمیدی، 1386: 45). در نتیجه بازنمایی که این رمانها از نقش و جایگاه زنان در خانواده و جامعه دارند و تاثیر اجتماعی و فرهنگی که از خود به جا می گذارند شایان توجه و اهمیت است.

درباره علل افزایش رمان های عامه پسند میرعبدینی به مسائل گوناگونی اشاره کرده است، از جمله اینکه رمان متعالی دوره رکود خود را می گذراند. بحران اقتصادی و فرهنگی، خوانندگان بی حوصله برای پرداختن به امور جدی و تفکربرانگیز را به سوی رمان های سرگرم کننده ای می راند که آرزوهای کام نایافته مالی و عاطفی را برون افکنی می کنند.

هم چنین دشواری هایی که دستگاه سانسور برای نشر رمان های متعالی ایجاد می کند نیز در گرایش ناشران به تولید رمان عامه پسند و بی دردسر بی تاثیر نیست. از سوی دیگر، باید به بحران خلاقیت نویسندگان هم توجه داشت. ناتوانی در ایجاد رابطه ای پویا بین ابداع و واقعیت، و گرایش به سوی

آفریدن آثار پیچیده تجربی - تحت تأثیر تئوری‌های ادبی پست‌مدرن - سبب می‌شود که نویسندگان نتوانند خوانندگان خود را حفظ کنند. به‌طور کلی، به قول میلان کوندرا، «غربت رمان در نظام کالایی» سبب رونق پاورقی‌نویسی و رمانهای عامه‌پسند به‌عنوان کسب و کاری پرسود می‌شود (میرعابدینی، نقل از سایت زنان).

زنان بسیاری به این نوع نوشتن روی می‌آورند. هریک از آنان با تقلید از آنچه خواننده است شروع به نوشتن می‌کند و به تدریج نوعی عرف ادبی پدید می‌آید. زنان اغلب به دلایل گوناگونی چون سنت و فرهنگ در چارچوب خانه و عواطف خود محصورند. امکان برخی تجربیات را نمی‌یابند و رمان‌هایشان هم از این واقعیت تأثیر می‌پذیرد. محدودیتهایی که عرف و عاداتهای جامعه در برابر آنان می‌گسترده‌ترد خلاقیت این گروه از نویسندگان را در دیوارهای چهارگانه خانه و یا اداره قرار می‌دهد از این رو داستان نویسان "جنس دوم" بیشتر خانگی می‌اندیشند و بیشتر عاطفی خلق می‌کنند و قهرمان عاطفی آنان غالباً زن هستند.

از منظر مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسی ادبی، افزایش این رمان‌ها می‌تواند پرسش‌هایی را درباره واقعیت اجتماعی برانگیزد.

این نکته قابل توجه است که سخن زنان حرفهای بیهوده نیست، بلکه پایه و اساس دانش مبتنی بر تجربیات است که در گذشته پنهان مانده و تحریف شده است. این رمان‌ها شواهدی عینی برای شناخت جهان زنانه و تجربیات زنان و مسایل و مشکلات زنان در جهان بازنمایی شده در رمان‌ها در اختیار محققان قرار می‌دهد. با تحلیل متون نویسندگان زن ایرانی می‌توان به جهان احساسات و اندیشه‌های زنانه راه یافت و مسائل‌شان را شناخت.

این تحقیق نیز می‌کوشد از راه بررسی چگونگی بازنمایی تجربه و نقش زنان در آثار برخی نویسندگان زن ایرانی داستانهای عامه‌پسند به این پرسش پاسخ دهد که تجربه زنان در خانواده چگونه تصویر می‌شود؟ و با کدامیک از دیدگاه‌های مطرح شده همسویی دارد. آیا در جهت بازتولید ایدئولوژی جنسیتی موجود است؟ و در حقیقت آیا با گفتمان حاکم همسو است؟ یا جهتی خلاف آن را طی می‌کند؟ و در حقیقت سعی در به چالش کشیدن این دیدگاه دارد که آثار نویسندگان زن به

رهایی بخشی زنان و مقابله با ایدئولوژی مردسالار می پردازد. و اگر هیچکدام از اینها نیست پس این آثار به چه سمتی تمایل دارند؟

### 3-1 اهداف پژوهش:

هدف اصلی: بررسی چگونگی بازنمایی تجربه زنان در خانواده در رمانهای فارسی عامه پسند و پرفروش دهه اخیر می باشد.

و سایر اهداف؛ همان طور که گفته شد اگر به دقت نگاه کنیم متوجه می شویم که آثار زنان نویسنده مورد استقبال مخاطبان به خصوص زنان دیگر قرار گرفته، اکنون زنان ایران توانسته اند خود را ابراز کنند صدایشان شنیده شود و خود در تعریف و تصویر جنسیت خویش مشارکت داشته باشند. (میلانی، 1384: 60) آثار آنان را می توان هم چون هر محصول فرهنگی دیگری به صورت شکلی از بازنمایی نگرینست که سرنخ های مهمی درباره نظام عقیدتی فرهنگی به دست می دهد و خبر از تحولی مهم در عرصه ی ادبی و ایدئولوژیکی جامعه می دهد که آن نیز به نوبه خود نشان دهنده تحولاتی در ساخت اجتماعی ایران است. همان طور که گفته شد دیدگاه های مختلفی در مورد داستان نویسی زنان وجود دارد و با توجه به این مواردی که گفته شد این سوال مطرح می شود که آیا می توان ورود زنان را به عرصه نویسندگی داستانها و رمانهای عامه پسند معادل سوال کردن از ایدئولوژی جنسیتی موجود و طرح صدای زنان امروز دانست که برابری خواهانه است؟ یا باید این دسته از زنان نویسنده، و رمانهایی که آنها می نویسند را جزو گروهی دانست که به تولید و بازتولید ایدئولوژی مردسالار می پردازند؟ در نتیجه توجه به رمانهای زنان نویسنده و تحلیل آنها برای یافتن نقش و جایگاه زنان در این رمانها از اهداف این تحقیق می باشد.

### 4-1 مساله پژوهش:

در این تحقیق ما به بررسی چگونگی نقش زنان و تجربه آنان در خانواده بر اساس مطالعه ی نحوه بازنمایی این موضوعات در رمانهای عامه پسند انتشار یافته در دهه اخیر توسط زنان نویسنده ایرانی می پردازیم.

یکی از حوزه های مورد توجه در این تحقیق حوزه زنان و رمان است که می توان آنرا به سه دسته تقسیم کرد:

- حوزه اول زنان به عنوان نویسنده رمانها
- حوزه دوم زنان به عنوان خواننده رمانها
- و حوزه سوم زنان به عنوان سوژه های اصلی رمانها و داستانها

در مورد ادبیات زنانه باید گفت که امروز دیگر وجود و حتی ضرورت ادبیات زنانه بر کسی پوشیده نیست و حضور دیدگاه زنانه در آثار زنان نویسنده مشهود است. وولف می گوید: «اما اگر زن هستیم به روش مادرانمان فکر می کنیم، بی فایده است که برای کمک گرفتن، به سراغ نویسندگان بزرگ مرد برویم. وزن، شتاب، و گام ذهن مرد به قدری با خصوصیات زن متفاوت است که زن نمی تواند چیز زیادی از او بیاموزد. دید زنانه در داستانها باعث توصیف دقیق و صمیمی زندگی، حالات و احساسات شخصیت های زن در آثار نویسندگان زن می شود» (ولف، 1385: 25)

از نظر میرعبدینی، امروز هم نویسندگان زن مطرح اند و هم زنانِ رمان خوان . یعنی در پی دگرگونی شتابناک جامعه هم "ذهن ما...یک ذهن روایی تر و داستانی تر شده" و هم ماهیت خواننده ی ادبیات عوض شده است. در گذشته، معمولا روشنفکران و غالبا اهل قلم رمان می خواندند ، حالا آدم های عادی هم رمان می خوانند . (میرعبدینی، 1377: 111)

هم چنین در دوره معاصر با ورود زنان به قلمرو خلاقیت های ادبی ، نوع دیگری از داستان نویسی پدیدار شد که خالق قهرمانان آن زنان بودند. هم چنین بررسی شخصیت پردازی قهرمانان زن در آثار زنان داستان نویس از مباحث پرجاذبه ای است که نقد "اصالت زن" به آن می پردازد.

تصویر ارائه شده از زن در دوره معاصر کم کم دستخوش تحولی جدی شد و زن متعارف زندگی عملی اجتماعی و روزمره وارد داستانها و رمانها گشت . در حالی که در دهه 40 و قبل از آن زن شقه شده در دو گانگی زن روسپی / زن خاموش و معصوم بود ، ولی پس از آن کم کم زن خانه دار ، زن درگیر در امور خانواده ، زن اجتماعی ، و زن بهنجار پا به عرصه داستان نهاد ، او دارای نقطه نظرات و

برداشت‌های خاص خود از امور است و فردیت او همان قدر پویانده و قوام یافته است که شخصیت هم‌نوعان مرد او.

درباره شخصیت پردازی در رمان‌های عامه پسند طرفداران بازتولید مردسالاری چون میرفخرایی معتقدند که شخصیت پردازی در این رمان‌ها معمولاً پیچیدگی و ابهام خاصی در خود نمی‌پروراند و مخاطب را به تأمل جدی در باب فهم ابعاد درونی و اعمال بیرونی خود و انمی‌دارد. شخصیت‌ها معمولاً پرتطرفدارند و سعی نویسندگان این سبک بر آن است که ویژگی‌های قالبی و عملکردهای کلیشه‌ای و انفعالی را به شخصیت‌های اصلی داستان‌های خود نسبت دهند. به طور خاص شخصیت‌های زن در رمان‌های عامه‌پسند تلاش چشمگیری در جهت برهم زدن ساختار مردانه داستان نمی‌کنند؛ مصرف واژگان و حتی تأیید منفعلانه عملکردهای شخصیت‌های مذکر از سوی زنان رمان‌های عامه‌پسند امری مشهود و ملموس است. زنان معمولاً عادی عادی هستند و وجودی مستقل از مردان در داستان ندارند بلکه خود را با آنها، چه در بودن و چه در نبودن، معنا می‌کنند. شخصیت‌های قائم به ذات و مستقل و مؤثر در اینگونه کارها صرفاً مردان هستند. زنان در این گونه رمانها زندگی ای غیرحماسی دارند و روزمرگی زندگی چنان آنها را در بر می‌گیرد که جایی برای کلیت واحد متحول برجای نمی‌ماند.

دیدگاه‌های مختلفی در مورد نقش نویسندگان زن در بازنمایشی و یا بازتولید نقش‌های سنتی زنان وجود دارد برای مثال:

برخی محققان مانند میلانی در کتاب حجاب و کلمه قلم به دست گرفتن زنان را معادل رهایی زنان قلمداد کرده‌اند و معتقدند که زنان از طریق نوشتن، صدای خاص و نادیده گرفته شده خود را در جامعه طنین افکن می‌کنند (میلانی، 1384: 60). در حقیقت این گروه معتقد است که زنان از طریق نوشتن سعی در به دست آوردن حقوق پایمال شده خود دارند و زمانی که آنان وارد جرگه‌ی ادبیات شدند، توانستند صدایشان را منعکس کنند و آن هم در اعتراض به ارزشهایی که سعی شده بود درباره زن‌ها جا انداخته شود.

گروهی دیگر با بررسی هایی که انجام داده اند معتقدند که آثار نویسندگان زن ایرانی به بازتولید مناسبات سنتی مردسالارانه قدرت می پردازند و اقبال عمومی به این رمانها نیز ناشی از نقش این رمانها در بازتولید ساختارهای سنتی می باشد. (میرفخرایی، 1384: 62) آنان همان گفتمان مرسوم مردسالارانه را تداوم می بخشند و زنان در این رمانها تلاشی در جهت تغییر موقعیت های ایستا و انفعالی خود نمی کنند و نقش این آثار کمک به ماندگاری ساختارهای مردسالاری می باشد. از نظر میرفخرایی ادبیات عامه پسند در ترویج باورها و ارزشهای مردسالار می کوشند و عمده ترین دلیل آن نیاز خوانندگان زن معمولی و غیرروشنفکر به داستانهایی است که شرایط موجود را برای آنها قابل تحمل سازد. (همان)

درباره این دیدگاه ها اتفاق نظر و اجماع وجود ندارد به طوری که عده ای طرفدار دیدگاه اول و گروهی متمایل به دیدگاه دوم هستند. حال می توان این پرسش را مطرح کرد که آیا می توان رمانها را فقط در یک دیدگاه خاص قرار داد؟ در صورتی که ما می توانیم رمانها را به چهار دسته تقسیم کنیم:

- رمانهایی که روابط سنتی را بازتولید می کنند.
- رمانهایی که به بازاندیشی روابط سنتی می پردازند.
- رمانهایی که هر دو (بازتولید، بازاندیشی) در آنها دیده می شود.
- رمانهایی که هیچکدام غلبه ندارد.

با توجه به مطالب گفته شده نکاتی مورد توجه قرار می گیرد از جمله اینکه نقشهای زنان به دو دسته "در خانه" و "بیرون خانه" تقسیم می شود و این در حالی است که در اغلب بررسی های انجام شده در زمینه های زنان به بررسی جایگاه و نقش های آنان در بیرون خانه و خانواده مانند نقش های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پرداخته اند و جایگاه و نقش های آنان در خانواده مانند مادری و همسری و هم چنین به عنوان دختر خانواده کمتر مورد توجه واقع شده است. در این دیدگاه اغلب وقتی از زنان سخن می گویند به تحول "جایگاه و نقش زنان در جامعه" اشاره می کنند. ولی اگر به بررسی "جایگاه و نقش زنان در خانواده" بپردازیم درمی یابیم که نقش های زنان در خانواده کمتر



دستخوش دگرگونی شده اند و در اصل، متوجهی تفاوت میان نقش های اجتماعی و خانوادگی زنان می شویم.

در این تحقیق می خواهیم به بررسی چگونگی بازنمایی نقش های زنان و تجربه ی آنان در خانواده، که در رمانها نشان داده می شود به این موضوع پردازیم که، نقش زنان در خانواده تغییر یافته است؟ تجربه زنان در خانواده به چه صورت است و با چه مسائلی روبه رو هستند؟

اصل تاکید در این تحقیق همان طور که گفته شد بر روی رمانهایی است که در تقسیم بندی ها نام عامه پسند بر آنها گذاشته شده است. تقسیم بندی های مختلف و متنوعی درباره انواع رمان وجود دارد، به طوری که فدوی شکری در کتاب خود تقسیم بندی کلی از انواع رمان آورده است ، او این تقسیم بندی را برای ارزیابی رمان موثر می داند :

رمان اجتماعی ، رمان احساساتی ، رمان اعتراضی ، رمان انتقاد اجتماعی ، رمان پاورقی ، رمان پرولتاریایی ، رمان پلیسی ، رمان پیکارسک ، رمان تاریخی ، رمان تجربی ، رمان جریان سیال ذهن ، رمان رشد و کمال ، رمان رمانتیک ، رمان روانی ، رمان شخصیت ، رمان حادثه ، رمان گوتیک و.... انواعی هستند که او به آنها اشاره می کند.(شکری،1386:120)

حسن میرعبدینی نیز در طبقه بندی آثار نویسندگان زن در دوران اخیر ، آنها را در سه گروه آثار عامه پسند ، آثار متعالی و آثاری که در بین این دو دسته قرار دارند ، طبقه بندی می کند.اما معیار مشخصی برای دسته بندی خود به دست نمی دهد .

هم چنین از نظر میرعبدینی داستان نویسی زنان را می توان در سه مرحله زمانی قرار داد :

1. گام های اولیه : در فاصله زمانی 1310 تا 1339 که به نام 15 نویسنده زن برمی-

خوریم.

2. از سال 1340 تا 1369 که به دو قسمت تقسیم می شود: الف) در دهه 49-1340 که

سالهای شکوفایی ادبیات و هنر معاصر است ، و بیش از 25 نویسنده زن شروع به

داستان نویسی می کنند. ب) دو دهه 59-1350 و 69-1360 که از نظر آماری مشابه

اند ، یعنی در هر دهه 28 نویسنده زن شروع به نوشتن کرده اند و در این دوره است که پاورقی نویسان زن نیز شروع به کار می کنند.

3. رهسپار راههای تازه: دهه 1370 به بعد که در حدود 370 نویسنده زن شروع به انتشار اولین آثار خود می کنند. (13 برابر نویسندگان زن دهه قبل)

در دوره سوم زنان چه در عرصهٔ رمان متعالی و چه در عرصهٔ رمان عامه‌پسند - همچنان که در دیگر عرصه‌های حیات اجتماعی - حضوری محسوس دارند. اما نکتهٔ قابل توجه پیدایش یک جریان پر توان پاورقی‌نویسی زنانه است که در دوره‌های گذشته نظیر نداشته. (میرعابدینی، نقل از سایت زنان)

و واقعیت این است که این آثار خوانندگان زیادی دارند و مشغله‌های ذهنی و اجتماعی خاصی را بازتاب می‌دهند. تعمق در اینکه چرا مردم عادی دوست دارند این داستان‌ها را بخوانند، می‌تواند ما را به درک این نکته برساند که این آثار به چه چیزی پاسخ می‌دهند یا چه چیزی را ارضا می‌کنند؟

حال این پرسشها مطرح می شود که :

- رمانها چه نوع مناسباتی از روابط بین زن و خانواده (پدر و مادر و یا همسر و فرزندان) را بازنمایی می کنند؟

- رمانها چه نوع تصویری را از تجربه زن در خانواده بازمی نمایند؟ این بازنمایی نقش زنان در رمانهای عامه پسند به چه صورت است؟ آیا نقشی منفعل را به آنها می دهند و یا اینکه خلاف آنرا ؟

- زنان تا چه حد از اقتدار در خانه برخوردارند؟

- آیا بازنمایی زن در این رمانها به بازتولید ایدئولوژی جنسیتی مسلط یاری می رساند و یا علیه آن می شورد؟

تانیا مادلسکی در کتاب عشق پرتب و تاب (1982) می گوید کسانی که درباره ی روایتهای زنانه نقد می نویسند معمولاً یکی از این سه موضع را اختیار می کنند : یا این روایتها را فاقد ارزش بررسی می شمارند ، یا با این روایتها خصومت می ورزند(و اغلب متاسفانه مصرف کنندگان این روایتها را خوار می شمارند) و یا بی هیچ ملاحظه ای این روایتها را به سخره می گیرند . بنا به استدلال مادلسکی ،

این روایت‌های عامه پسند "مبین مسائل و تنش های کاملاً ملموس در زندگی زنان هستند." (استوری، 1385: 122) و در این تحقیق تلاش شده تا با موضعی بی طرفانه بررسی شود.

## 5-1 پیشینه تحقیق:

در سالهای اخیر پژوهش هایی در زمینه بررسی رمانهای زنان ایرانی انجام شده است. به نظر می رسد افزایش تعداد نویسندگان زن و هم چنین افزایش بی سابقه مخاطبین این رمانها، دلیل توجه محققین به این متون باشد. اما هم چنان پرسش های بسیاری در این زمینه باقی مانده است که بررسی دقیق تری را می طلبد. در ادامه به تعدادی از این تحقیقات اشاره می شود.

در مورد مسائل زنان و حوزه رمان، وحید ولی زاده در دانشگاه علامه طباطبایی پایان نامه ای با عنوان "سیاست های بازنمایی؛ جنسیت در آثار نویسندگان زن" ارائه داده است که در آن شش رمان پرفروش زنان در دهه اخیر به عنوان شکلی از بازنمایی انتخاب شده است تا با بررسی آنها به سوالاتی چون اینکه آیا این متون مفهوم مرسوم جنسیت زنانه را به چالش می کشند یا نه؟ و اینکه این متون چه ایدئولوژی جنسیتی را با خود حمل می کنند؟ پاسخ داده شود. برای این امر او از روش نظریه مبنایی استفاده کرده است و پس از کدگذاری و مفهوم سازی از داده های رمان ها دو شکل بازنمایی زنانگی را استخراج کرده است که آنها را تصویر زن سنتی و مدرن نامگذاری کرده است. او به این نتیجه رسیده است که تصویر زن سنتی تصویری در خدمت روابط جنسیتی قدرت است که ایدئولوژی مردسالار را بازتولید می کند و تصویر زن جدید بدیلی در برابر ایدئولوژی مسلط است. او رمان ها را به سه دسته عامه پسند، نخبه گرا و نوع نوظهوری که مرز میان این دو است تقسیم کرده است و اینکه این نوع جدید بدون گسست از سنتهای فرهنگی موجود به دنبال برخورد انتقادی با جایگاه زنان در جامعه مردسالار است و می خواهد این جایگاه را مورد بازاندیشی قرار دهد (ولی زاده، 1385: 16 و 17).

ولی زاده بینش های ارزشمندی را در مورد آثاری که توسط زنان منتشر شده اند آشکار می کند. اثر او از منابعی است که در این تحقیق نیز مورد استفاده قرار گرفته است. اما در این پژوهش محقق تنها از

روش کدگذاری آزاد استفاده کرده است و کدگذاری محوری و انتخابی را انجام نداده است. هم چنین او به نقش زنان بیشتر در جامعه توجه کرده است و زن در خانواده و در ارتباط با همسر و فرزندان مورد توجه قرار نگرفته است.

پایان نامه ای در دانشگاه الزهرا با عنوان "هویت زنان، بررسی نگرش حاکم بر رمان های منتخب زنان نسبت به هویت زنان بعد از دهه هفتاد" توسط خانم کبرا پاکروش در سال 1383 نگاشته شده است. هدف اصلی در این پژوهش، بررسی هویت زنان در قالب شاخص های مدرن و سنتی و مقایسه این دو شاخص عنوان شده است. برای تبیین نظری موضوع از تئوری نظریه پردازان کارکردگرا، از جمله پارسونز و متغیرهای الگویی وی استفاده شده است. تکنیک پژوهش تحلیل محتوای کمی است و یافته های پژوهش نشان داده که اولاً میزان پرداخت رمان ها در شاخص های هویت سنتی مربوط به نقش انتسابی و کمترین میزان مربوط به انضباط غیرجسمانی می باشد. ثانیاً بیشترین میزان پرداخت رمان ها به شاخص های هویت مدرن، مربوط به انضباط جسمانی و کمترین مربوط به روابط ثانویه می باشد. در کل ادعا شده است که اگرچه جوامع امروزی به سرعت مراحل مدرنیزاسیون را طی می کنند و کرده اند ولی مدرن نشده اند به عبارت دیگر اکثریت جامعه ما براساس شاخص های مورد بحث دارای هویت سنتی می باشند. (پاکروش، 1383)

اگرچه در این پژوهش توضیح نظری قانع کننده ای در مورد دلیل انتخاب رمان به عنوان زمینه پژوهش داده نشده است، به نظر می رسد در این پژوهش به رمان ها، به عنوان متونی که واقعیت اجتماعی را بازتاب می کنند نگریسته شده است. مشکل دیگر در این پژوهش استفاده از روش تحلیل محتوا کمی به تنهایی می باشد. به نظر می رسد کشف معانی و دلالت های پنهان در متون به روشی منعطف تر و کیفی تر احتیاج دارد که بتواند در برابر مواردی که در طی تحقیق بر محقق آشکار می شود، حساس باشد و آنها را در تحلیل نهایی دربرگیرد.

هم چنین کتاب "اتاقی از آن خود" اثر ویرجینیا وولف از دیگر کتابهایی است که توسط خانم صفورا نوربخش ترجمه شده است. در این کتاب به نقش زنان نویسنده در بازسازی جایگاه زنان توجه شده